بسم الله الرحمن الرحیم

مقدّمه‌ای بر تاریخِ حوزه‌های علمیّه و مرجعیّت شیعه

به قلم: استاد جعفرالهادی

ویرایش و تحقیق: محمّدحسین خوشنویس

۱۴۲۲ هـ.ق – ۱۳۸۰ هـ.ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَ الْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَـانَ لَفِي خُسْــرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

صدق الله العليّ العظيم

مقدّمه

آگاهی از تاریخ حوزه‌های علمیّه و مرجعیّت شیعه، از آن جهت اهمیّت فراوان دارد که این حــوزه‌ها و مرجعیّتِ برخاسته از آن به همان اندازه که درحفظ وصیانت از کیان شیعه و ادارهٔ امور آنان در طـول تاریخ پُر فراز و نشیب اسـلام نقش بسـزایی داشته، در باروری تفکّر و تمدّن اسلامی و غنی سازی آن در زمینه‌های گوناگون سهمی بزرگ و جـایگــاهی بسیار حسّاس و خطیر داشته است.

و این حقیقتی است که همگان صـادقانه و منصفـانه به آن اعتراف کرده‌اند.

بررسی همه‌جانبه و بازشناسی عمیق و محقّقانهٔ ساختار، برنامه، ابزار، شیوهٔ کار و اهداف‌حوزه‌ها می‌تواند موقعیّت مهمّ آنها را در جهان امروز به شایستگی مورد توجّه قرار داده و به عنوان یک الگوی کارآمد مطرح سازد.

به همین دلیل و دلایلی دیگر، این موضوع در طی دو واحد درسی با فشردگی زیاد وبه عنوان آغازی برای کاری مفصّل در جمع طلّاب محترم مدرسه علمیه امام خمینی (قدس الله سرّه) ارائه شد.

اینک خلاصهٔ آن در اختیار خوانندگان گرامی قرار می‌گیرد.

جعفرالهادی

۱۳۸۰/۸/۲۵ شمسی مصادف با ۳۰ شعبان ۱۴۲۲ قمری

کلیّات

پیش از ورود به اصل موضوع، توجّه شما را به پنج نکتهٔ مهمّ پیرامون **حوزه‌ها** جلب می‌کنم:

۱. کلمه «حوزه» از نگاه لغت و اصطلاح

«حوزه» در لغت از مشتقات «حازَ یَحوزُ حیازة» و نام جایی است که چیزی در آن جمع شده باشد.

حال منظور از آن چیزِ مجموع:

أ. یا افراد گوناگونی هستند که از طیف‌ها و اقشار و از نقاط مختلف جهان در آن مکان جمع شده‌اند تا درس بخوانند.

بـ. یا علوم گوناگونی است که در آن مکان تدریس می‌شود، همچون لغت و صرف و نحو و بلاغت و اصول و فقه و تاریخ و حدیث و کلام و تفسیر و فلسفه و نجوم و حساب و جبر و هندسه و طبّ.

جـ. یا هر دو جهت بالا در نظر گرفته شده است.

لازم به ذکر است که «حوزه» در لغت عرب به معنای «مرکز» نیز به کار رفته است و هنگامی که گفته می‌شود: «حَمیٰ فلانٌ **حوزةَ** الإسلام» به این معنا است که: «فلانی مرکز اسلام را حفظ کرد». [۱]

بر این اساس محتمل است که عنوان «حوزه» از این جهت بر «حوزه‌های علمیّه» اطلاق می‌شود که این مکان، مرکز اسلام به شمار می‌رود.

۲. منشأ قرآنی تأسیس حوزه‌های علمیّه

خداوند متعال در آیهٔ شریفهٔ معروف به «آیهٔ نَفْر» می‌فرماید: «**فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ**» [۲] یعنی «چرا از هر طایفه و قومی، گروهی (به مدینه) سفر نمی‌کنند تا کسب علم کرده و دین را به خوبی فراگیرند و هنگامی که به وطن وشهر خود برمی‌گردند مردمشان را از عذاب خدا

---

[۱] . لسان العرب، ماده «حوز».

[۲] . سوره توبه، آیه ۱۲۳، ر.ک: تفسیر تبیان، ج۵، ص۳۲۱.

بترســانند، تا بلکه آنهـا (از نافرمـانی و مخـالفت با اوامر و نواهی الهی) پرهیز کنند»؟ ایـن آیهٔ شریفه به صراحت مردم را به رفتن به مراکـز علوم دینی به هدف تحصیل و کســب دانش‌های لازم اسلامی، دعوت و تشویق می‌کند.

این آیه در کنار صدها آیه وروایـت دیگر در تمجید از علم و علما و تجلیل از تفکّر ومتفکّران ودعوت به تعلّم و تفقّه و تقبیح جهل وبی‌خبری، منشأ اصلی و عمدهٔ تأسیس حوزه‌هــای علمیّه در صدر اسلام و استمرار آنـها تا امروز بوده است.[۱]

بی‌شکّ احتیاج به مسـائل گوناگون اسلامی و تقدّسِ آن مسـائل از نظر مردم و تأثیر عمیق آن حــوزه‌ها موجب تأیید مداوم مردم متدیّن وپشتیبانی همه‌جانبه و حمایت و دفاع تا سر حدّ جانفشـانی از حوزه‌های علمیّه و گسترشِ آنها شد.

---

[۱] . ر.ک: اصول کافی ، جلد اوّل و بحارالانوار، جلد اوّل و دوم.

۳. مباحثی درباره تاریخ حوزه‌ها

آنچه در مباحث تـاریخی حوزه‌ها باید مورد مطالعه قرار بگیرد، تا در شناخت حوزه و ارزیابی آن، به تصویری کـامل منجرّ شـود، عبـارت از امـور ذیل است:

أ. مکان و زمان تأسیس

بـ. شرایط سیاسی و اجتماعی دوره تأسیس

جـ. اساتید و معلمان برجسته

د. کمیّت و کیفیّت طلاب و دانش‌پژوهان

هـ. تنوّع علوم و گوناگونـی دانش‌ها

و. ابزار و روش کار

ز. توصیف و ویژگی‌ها

حـ. آثار باقیه و بجامانده

ط. فعالیّت‌های درونـی و چالش‌ها

یـ. فعالیت‌های درون مرزی

کـ. دامنه حوزه‌ها

لـ. عوامل تداوم یا عدم تداوم

مـ. تأثیرات حوزه‌های علمیّه بر محیط پیرامون

نـ. برجسته‌ترین مواضع سیاسی در حوزه‌ها

۴. فهرستی از پراکندگی جغرافیایی حوزه‌های علمیّه شیعی

أ. مدینة النبی

بـ. کوفه

جـ. بغداد

د. نجف اشرف

هـ. کربلای معلّی

و. حِلّه

ز. سامرا

حـ. جبل عامل و لبنان (نبطیّه، روم، جِزّین، کَرَک، صُور، صیدا، بعلبک)

ط. حلب – سوریه

یـ. ایران (مشهد، قم،شیراز ،بهبهان،اصفهان،تبریز)

کـ. هند و پاکستان و افغانستان

لـ. کشورهای جنوب شرق آسیا

مـ. کشورهای آفریقایی

نـ. کشورهایی اروپایی

و. آمریکای شمالی و جنوبی

لازم به ذکر است که این حوزه‌ها، معروفترین آنها است، حوزه‌های علمیّه بسی بیش از اینهاست.

۵. ادوار تاریخی حوزه‌های علمیّه

دوره‌های زمانی حوزه‌های علمیّه اسلامی و شیعی عبارتند از:

أ. حوزه زمان پیامبراکرم حضرت محمّد مصطفی صلّی الله علیه وآله وسلّم.

بـ. زمان امیرمؤمنان علیّ بن ابی‌طالب علیه‌السلام.

جـ. حوزه زمان امام حسن و امام حسین و امامسجّاد سلام الله علیهم اجمعین.

د. حوزه زمان امام باقر علیه‌السلام.

هـ. حوزه زمان امام صادق علیه‌السلام.

و. حوزه زمان امام کاظم و امام رضا و امام جواد و امام هادی و امام حسن عسکری سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین.

ز. حوزه در زمان غیبت صغرای حضرت بقیّة الله الأعظم عجّل الله فرجه الشریف.

حـ. دوران غیبت کبرا تا امروز.[1]

---

[1] . قلّه‌های حوزه‌ها در قرون مختلف قمری عبارت است از:
قرن ۳ و ۴ : حوزه علمیه قم
قرن ۵ : حوزه علمیّه بغداد
قرن ۶ : حوزه علمیّه نجف اشرف
قرن ۷ و ۸ و ۹ : حوزه علمیّه حلّه
قرن ۱۰ : حوزه علمیّه نجف اشرف
قرن ۱۱ و ۱۲ : حوزه علمیّه اصفهان
قرن ۱۳ : حوزه علمیّه نجف اشرف
قرن ۱۴ و ۱۵ : حوزه علمیّه قم

حوزه‌های علمیّه در ادوار تاریخ اسلام

حوزه نبوی

نخستین حوزه علمیّه در تـاریخ اسلام در مدینةالنبی پس از هجرت خــاتم الانبیاء؛ محمّد مصطفی صلّی الله علیه وآله وسلم تأسیس شد.

پیش از این گذشت که این حـوزه مبارک آن هنـگام به وجود آمد که قرآن‌کریم مردم را به سفر به‌مرکز اسـلام در آن روز یعنی مدینه برای کسـب معرفـت در زمینهٔ عقائد و احکام و آداب دعوت فرمود.[1]

نخستین رئیس این حوزه؛ پیامبراکرم صلّی الله‌علـیه وآله بود که فعالیت‌های عالمانهٔ خویش را به هدایت الهی را در چند محور انجام داد که رشـد و بالندگی مسلمانان را در پی داشت و آنان را به درجات بالا و والا رسانید.

---

[1] . آیهٔ نَفْر و آیات دیگر.

این محورها به قرارِ ذیل است:

۱. تشویق به حفظ و به خاطر سپردن

• پیامبراکرم فرمود: «**مَنْ حَفِظَ مِنْ شِيعَتِنَا أَرْبَعِينَ حَدِيثاً بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِماً فَقِيهاً وَ لَمْ يُعَذِّبْهُ**» یعنی هر کسی از شیعیان ما چهل حدیث را از حفظ داشته باشد خدای متعال در روز قیامت او را در هیئت یک عالم و فقیه به محشر می‌آورد و او عذاب نمی‌کند.

یکی از برکات این حدیث و مانند آن، ظهور پدیده نگارش کتاب‌هایی تحت عنوان «چهل حدیث» بود که شیخ آقابزرگ تهرانی، تعداد آنها را تا آن زمانِ بیش از «۸۰» عنوان کتاب برشمرده است.[۱]

با تشویق به حفظ، هم معارف اسلامی توسّط جمع بیشتری از مسلمانان ضبط می‌شد و هم برای‌کسانی که به هر دلیلی از خواندن و نوشتن دور بودند این

[۱] . الذریعه، ج۱، ص۴۰۹ – ۴۳۴. استاد جعفرالهادی کتابی تحت عنوان «چهل حدیث» در فضائل حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها نوشته بودند.

امکان را فراهم می‌ساخت که آنـان نیز پا در وادی علم گذاشته و از این فیض بی‌بهره نمانند.

این کار درضمن می‌توانست به نوعی تأسی و اقتدا به پیامبراکرم صلّی الله علیه وآله باشد که هیچ خط ننوشت و هیچ خطی نخواند، اما همه معـارف الهی را در قلب و دلش محفوظ داشت.

• روزی پیامبراکرم صلّی الله علیه وآله در مسـجـد خیف فرمود: خداوند خشنود سـازد آن کســی را که سخن مـرا بشنود و به خـاطر بسپارد و به دیـگران برساند.

• پیامبراکرم بعد از ایراد خطبهٔ غدیریّه در مراسـم حجّة الوداع فرمود: «**فَلیُبَلِّغِ الشاهدُ الغائبَ**»، یعنی حاضران، محتوای خطبه را به غائبان برسانند، که لازمهٔ این رساندن حداقل، از بَر کردن خطبه ونقـل آن برای دیگران به طور شفاهی و حداکثر، نوشتن خطبه و دست به دست چرخاندنِ آن مکتوبه است.

۲. تشویق به سواد خواندن و نوشتن

• نخستین سوره‌ای که بر پیامبر اکرم صلّی الله‌علیه وآله نازل شد با دستور به خـواندن شروع شد و در آن از تعلیم سخن به میان آمد و به قَلَم، قَسَم یاد شد. آنجا که فرمود:

«اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ • خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ • الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ • عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» [۱]

•همچنین در ابتدای امر، پیامبراکرم اقـدام بزرگ و تاریخی خود را در جهت بـاسواد نمودن مسلمانـان که در آن زمان بیشترشان بی‌سواد بودند انجام داد، به این صورت که شرط آزادی هر اسیـر در جنگ بـدر را پرداخت غرامت سنگین[۲] و یا تعلیم خواندن و نوشتن هر اسیر به ده تن از مسلمانان قرار داد.[۳]

---

[۱] . سورۀ علق: آیات ۱ تا ۵.
[۲] . چهارهزار درهم.
[۳] . طبقات ابن سعد، ج۲، ص۱۳.

این اقدام، شور و شـوق عجیبی در مسلمانــان برای یادگیری خواندن و نوشتن ایجاد نمود و از آنجا کـه جهانی جدید و زیبـا فراروی آنــان بـاز کرد، علاقهٔ فوق العاده‌ای برای تحصیل معارف دینی و به‌ویژه معلومات قرآنی در آنها نشأت گرفت.

پیامبراکرم صلوات الله علیه وآله برای مدیریّت این کار مهمّ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام و تنی چند از اصحاب مانند عبدالله بن مسعـود وحذیفة بن یمان و عبدالله بن عباس و اُبیّ بن کعب که از آمادگی‌ذهنی و هوش و استعداد و علاقهٔ وافـر و ایمان و اعتقـاد راسخ برخوردار بودند را انتخاب کرد.

پُرواضح است که در این میان، علی علیه‌السلام به عللی همچون عصمـت و جانشینی بعد از پیـامبر و ملازمت و قرابت با پیامبراکرم صلوات‌الله‌علیه‌وآله و کثرت آمد و شد بر آن حضـرت بهرهٔ بیشتری از این مسأله بُرد تا جایی که همگـان به این واقعیّـت، اعتراف و اقرار نمودند.

• پیــامبراکرم صلّی الله علیه وآله در موقعیـت‌هـای مختلف از جایگاه علم و عالم سخن گفته است، مثل اینکه فرمـود: «**اُطْلُبُوا العِلْم و لو بالصِّین**»[1]، یعنـی به دنبال علم باشید حتی اگر در چین باشد.

استاد «معروف هاشم الحسنی» می‌گوید:

«سفر به کشور چین در دوره پیامبراسلام، از سفر به کرهٔ ماه در دوران ما دشوارتر بوده است».[2]

• در ضمن، دین مبین اسلام یکی از حقـوق فرزند بر پدر و مادر را، خواندن و نوشتن دانسته است.[3]

---

[1] . بحارالانوار، ج۱، ص۱۷۷؛ وسائل الشیعه، ج۲۷، ص۲۷.
[2] . دراسات فی الحدیث و المحدّثین، ص۱۹.
[3] . بحارالأنوار، ج۷۱، ص۸۰؛ کافی، ج۶، ص۴۹.

۳. تشویق به نوشتن

• در مدینه بود که پیامبر دستور دادند که مسلمانان کلمات و سخنان ایشان را در قالب حدیث و روایت بنویسند.

نصّ این دستور در کتاب‌های شیعه واهل‌سنّت آمده است،مانند: **«أُكْتبُوا العلم»**[1] و **«قَيِّدوا العلمَ بالكتابة»**[2] و حتی دربارۀ آن، کتاب‌های مستقلّی نوشته شده مانند کتاب «تقیید العلم» نوشتۀ خطیب بغدادی.[3]

• پس از فتح مکه پیامبر خطبه‌ای ایراد نمود. شخصی یمنی به نام ابوشاة عرض کرد:

یا رسول‌الله! این خطبه را برای من بنویسید.

پیامبر به اصحاب فرمود: **«أُكتُبوا لأبي شاة»** خطبه را برای ابوشاة بنویسید.[4]

---

[1] . تقیید العلم، ص۷۲.

[2] . بحارالأنوار، ج۵۸، ص۱۲۴ و ج۷۶، ص۱۳۹؛ تحف العقول، ص۳۶؛ المستدرک علی الصحیحین، ج۱، ص۱۰۶.

[3] . تقیید العلم، مؤلف: أبوبکر أحمد بن علی بن ثابت بن أحمد بن مهدی خطیب بغدادی (متوفّای: ۴۶۳هـ)، ناشر: إحیاء السنة النبویة – بیروت.

[4] . صحیح بخاری، ج۳، ص۹۵ و ج۸، ص۳۸؛ صحیح مسلم، ج۴، ص۱۱۰؛ السنّة الشریفة، ص۸۸.

• روزی پیامبراکرم صلّی‌الله علیه وآله امیرمؤمنان علیه السلام را به حضور طلبید و فرمود: «**اُكتُبْ ما اُمْلِي عليك**»؛ آنچه به تو املا می‌کنم را بنویس.

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام عرض کرد: آیا بیم از فراموشی من دارید؟

پیامبر فرمود: چنین نگرانی ندارم ... آن را برای امامانِ بعد از خودت بنویس.[1]

نتیجهٔ آن تألیف کتابی به دست مبارک امیرمؤمنان موسوم به «کتاب علی» شد.[2]

---

[1] . امالی شیخ صدوق، ص ۳۲۷؛ بصائرالدرجات، ص۱۴۷.

[2] . این در حالی است که به اعتقادِ شیعه، امام معصوم از علم غیب دور نیست، به طوری که امام رضا علیه السلام فرمود: «إذا شِئنا عَلِمْنا» هر وقت که اراده کنیم، می‌دانیم. این یک راه غیرطبیعی است. قطعاً راه‌های غیرطبیعی دیگری نیز برای علم امام وجود دارد، ولی با این حال پیامبر، امامان معصوم را از مطالعهٔ مکتوباتِ امیرمؤمنان علیه‌السلام بی‌نیاز نمی‌داند و در حقیقت یکی از منابع طبیعی علم امام را کتاب معصومِ دیگر، معرفی می‌نماید، مانند «کتاب علی» و «مصحف فاطمه» که حاوی احکام شریعت بودند و مانند «مصحف علی» که حاوی علوم قرآن بوده ومورد استفادهٔ معصومین قرار گرفته و اکنون در اختیار امام زمان علیه‌السلام است.

• پیـامبر تا آخـرین لحظات بر نوشتن تـأکید داشت، حتی در آستانۀ رحلت در روز پنجشنبۀ معروف که از حاضران در خانه‌اش تقاضای قلـم و دوات نمود تا مطالب مهمی را بنویسد، هر چند که برخی فتنـه کردند و فرمان پیامبراکرم جامه عمل نپوشید.[۱]

[۱] . صحیح بخاری، ج۱، ص۳۷ و ج۷، ص۹؛ مسند احمد، ج۱، ص۳۳۶؛ الحدیث و المحدثون، ۱۲۴.
جالب توجّه این است که پیامبر فرمود:«آتُوني بقَلَمٍ وَ حِبرٍ لِأَكتُبَ لَكُم» یعنی قلم و دواتی بیاورید تا من خودم برای شما بنویسم.با اینکه حضرت از ابتدای بعثت تا آن لحظه و حتی پیش از آن، دست به قلم نشد و سطری ننوشت ولی مطلب منظور پیامبر آنقدر مهم و حیاتی بود که پیامبر حاضر می‌شود برای اولین – و شاید آخرین – بار دست به قلم ببرد و بنویسد آنچه را که آینده اسلام و مسلمین را بیمه کند. نکتۀ دیگری که از این حدیث استفاده می‌شـود، این است که پیامبر اکرم صلّی الله علیه وآله علمِ نـوشتن داشت، هرچند که ننوشت. حضرت رسول کاتب داشتند که او کتابت می‌کرد، گاهی امیرمؤمنان برای پیامبر می‌نوشت و گاهی دیگران.

۴. برخی از مکتوبات دوران حیات پیامبراکرم

• **«صحیفهٔ علی»** مکتوبه‌ای به املای پیامبر صلّی الله علیه وآله و خط امیرمؤمنان علی علیه‌السلام که از آن در منابع مختلف به نام‌های «جامعه» و «جفر جامعه»و«کتاب علی»و«صحیفة الفرائض» یاد شده است. این کتاب به دست امامان بعدی‌رسید که از آن بهره می‌بردند و در حقیقت یکی از منابع علم ائمه بوده است.[۱] «کتاب علی» علاوه براحکام فقهی حاوی مباحث اخلاقی و تفسیری و اجتماعی نیز هست.[۲] ائمه این کتاب را به برخی از موافقین و مخالفین نشان داده‌اند[۳]ولی بنایشان بر پنهان‌نمودنِ آن بوده است. در کتاب کافی در بیش از ده مورد از «کتاب‌علی» یاد شده است.[٤]

---

[۱] . بحارالأنوار، ج۲۵، ص۵۶ و ج۲۶، ص۳۴؛ مختلف الشیعه، ج۹، ص۲۹؛ دروسٌ فی فقه الامامیة، ص۱۹۰؛الخلاف، ج۱، ص۱۳۲؛المهذب، ج۲، ص۳۱ سرائر، ج۳، ص۵۶۰؛ المعتبر، ج۱، ص۵۰ و ۹۹.

[۲] . مجمع الفائدة، ج۱۲، ص۵۱۳؛ زبدة البیان، ص ۴۸۵؛ کافی، ج۱، ص۴۱ و ج۲، ص ۱۳۶ و ۲۵۹ و ج ۸، ص۳۹۵.

[۳] . رجال نجاشی، ص۳۰۶.

[٤] . ج۷، ص۴۰ و ۱۱۹ و ۱۳۶ و ۱۷۶ و ۲۰۰ و ۲۱۴ و ۳۱۶ و ۳۲۹وج۸، ص۱۶۳ و ۲۳۳.

• «**صحيفۀ نبي**» مكتوبه‌ای به املای پيامبر كه در غلاف يا دستگيره شمشير حضرت نگه‌داری‌می‌شد واميرمؤمنان عليه‌السلام آن صحيفه را نزد خود در شمشيرش نگه می‌داشت.[1]

• «**صحيفۀ صادقه**» مكتوبۀ ديگر به املای پيامبر و قلم عبدالله فرزند عمروعاص كه بنا به روايات تاريخی بالغ بر هزار روايت در آن نوشته شده.[2]

خصوصيات حوزه علميّه نبوی

در حوزۀ نبوی در مدينه كه پايه و اساس‌حوزه‌های بعدی به شمار می‌رود، به جهت عدم پيچيدگی و بساطت شرائط و نيازها، غالباً دروس قرائت و تفسير قرآن و عقائد و احكام و آداب و اخلاق - آن هم به شكلی ابتدائی - تعليم داده می‌شد و معلّم سرآمدِ اين حوزه نيز شخصيت عظيم الشأن پيامبر صلّی‌الله‌عليه‌وآله بود.

---

[1] . كافی، ج۷، ۲۴۷؛ بحارالأنوار، ج۴۰، ص۱۳۳.

[2] . تقييد العلم، ص۸۴؛ مسند احمد، ج۲، ص۱۵۸؛ المحدث الفاصل، ص ۳۶۶ معرفة النسخ و الصحف الحديثية، ص۱۵۸؛ التشريع و الفقه، ص۲۷۵.

از آنجا که حوزه نبوی حوزه‌ای نوپا وجدیدالتأسیس بود و جامعهٔ آن روز از نظر اعتقـادی و فکری آن چنـان گرفتـار به مبـاحث پیچیـدهٔ اعتقـادی و فلسفی نبود، در حوزه نبوی بیشتر به فراگیری قرآن کریم و تفسیر و درک و تدوین معانی آن و اخذ و فـهم و روایت و نقل احـادیث پیامبراکرم صلّی الله‌علیه‌وآله که مبیّن قرآن‌کریم است می‌پرداختند و خود راملزم به عمل به تعالیم تابنـاک اسلام می‌دانستند.

و گـاهی از پیامبراکرم صلی الله علیه وآله سؤالاتی پیرامون احکام وعقائد طرح نموده وبا شوق‌وعلاقه فراوان پاسخ‌ها را نوشته و منتشر مـی‌نمودند.
بعضی ازاصحاب پیامبر در این زمینه جدیّت‌بسیار داشتند و آثار مکتوبی از خود به جاگذاشتند. دراین بین می‌توان به شخصیّـت‌های ذیل اشاره کرد:

• سلمان فارسی (متوفّای ۳۲ق) که گفتگوی جاثلیق رومی با امیرمؤمنان علیه‌السلام را نوشت.
ابن‌شهرآشوب می‌گوید: سلمان بعد از حضرت امیر

علیه‌السلام نخستین کسی است که دســت به قلم شده است.[1]

• ابوذر غفاری (متوفّای ۳۱ ق) که با نگارش‌کتاب «الخطبة» رویدادهای پس از رحلت پیامبراکرم را نوشت.[2]

• عبدالله بن عباس (متوفّای ۶۸ق) که چند صحیفه در باب قضاوت‌های امیرمؤمنان علیه‌السلام نوشت

• جابر بن عبدالله انصاری (متوفّای ۷۴ق) و کتابی نوشت که به «صحیفهٔ جابر» معروف است.

این کتــاب حاوی احکـام حجّ (و یا خطبهٔ پیـامبر در حجّة الوداع) بوده است.

همچنین می‌توان به افــراد برجسته‌ای از این حوزه پُربرکت و تازه تأسیس اشاره نمود، همچون:

۱. عبدالله بن مسعود (متوفّای ۳۲ق)

۲. حذیفة بن یمان (متوفّای ۳۶ق)

---

[1] . معالم العلماء، ص۲.

[2] . همان.

۳. مقداد بن اسود (متوفّای ۳۳ق)
۴. أُبیّ بن کعب (متوفّای ۲۹ق)
۵. ابوسعید خدری (متوفّای ۶۵ق)

بانوان راوی در حوزۀ نبوی

و در این حوزه زنانی نیز بودند که معارف دین را از رسول اکرم فرا گرفته و منتشر نمودند. دررأس آنها حضرت صدیقۀکبری فاطمۀزهرا سلام‌اللهعلیها است که علاقه وافر و بی حدّی به احادیث پیامبر صلّی الله علیه وآله داشت، تا جایی که وقتی حدیث مکتوبی را در خانه پیدا نکردند، به فضّه خادمه فرمود: «آن حدیث را حتما برایم پیدا کن، چرا که ارزشش برای من به اندازۀ حسن و حسین است».[1]

در اینجا باید به **«مصحف فاطمه»** اشاره کرد که محتوای گفتگوی تسلّی بخش جبرئیل با حضرت فاطمه بعد از رحلت نبی مکرم اسلام بوده و به

[1] . مستدرک الوسائل، ج۱۲، ص۸۰، تتمة کتاب الجهاد.

املای حضرت فـاطمه سلام‌الله‌علیها و به قلم امـام امیرمؤمنان علی علیه‌السلام می‌باشد.

این مصحف که حتی یک آیه از قرآن در آن نیست مشتمل بر گزارشی از رویـدادهای مرتبـط با ذریّهٔ حضرت فاطمه تا قیامت می‌باشد. امامان معصوم‌از «مصحف فاطمه» بهره می‌بردند.[1]

برخی دیگر از بانوان راوی عبارتند از:

۱. امّ سلمه (متوفّای ۶۲ق)[2]

۲. امّ ایمن (متوفّای ۲۵ق)[3]

۳. اسماء بنت عمیس (متوفّای ۴۰ق)[4]

---

[1] . بصائرالدرجات، ص۱۷۳؛ معالم المدرستین، ج۲، ص۳۱۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج۳، ص۳۷۴.

[2] . ذهبی محمد، سیراعلام النبلاء، ج۲، ص۲۱۰ و احمد بن حنبل، مسند، ج۶، ص۲۸۹- ۳۲۴.

[3] . احمد بن حنبل، مسند، ج۶، ص۴۲۱، قاهره، ۱۳۱۳ق؛ طبرانی سلیمان، المعجم الکبیر، ج۲۵، ص۸۷ -۹۱، به کوشش حمدی عبدالمجید سلفی، بغداد، ۱۹۸۱م؛ ابن ماجه محمد، سنن، ج۲، ص۱۱۰۷، استانبول، ۱۴۰۱ق /۱۹۸۱م؛ ابن حجرعسقلانی احمد،تهذیب‌التهذیب،ج۱۲،ص۴۵۹،حیدرآباد دکن، ۱۳۲۷ق.

[4] . حمیدی، المسند، ۱۹۹۶م، ج۱، ص۳۲۸؛ واقدی، المغازی، ۱۴۰۹ق، ج۲، ص۷۶۶.

۴. امّ حبیبه (متوفّای ۴۴ق)[1]

۵. امّ الفضل (متوفّای ۳۰ق)

۶. امّ حرام (متوفّای ۲۸ق)

و برخی از همسران پیامبراکرم صلّی‌الله‌علیه‌وآله.[2]

حوزه علمیّه در دوران امیرمؤمنان علی‌علیه‌السلام

حوزه مرتبط با امیرمؤمنان علی علیه‌السلام دارای دو دوره است که عبارتند از:

۱. دورهٔ خلفای سه‌گانهٔ اهل‌سنّت

۲. دورهٔ خلافت حضرت امیرمؤمنان علیه‌السلام

طبیعیست که به علّت اختلاف و تفاوت در شرائطو احوال و اوضاع این دو دوره، حوزه علوی دارای

---

[1] . تاریخ دمشق، ج۶۹، ص۱۳۱؛ سیر اعلام النبلاء، ج۲، ص۲۱۹؛عسقلانی، ابن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج۸، ص۱۴۲؛بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف،ج۱، ص۴۴۱؛عسقلانی،ابن حجر،الاصابه فی تمییز الصحابه، ج۵، ص۵۶؛نسائی،احمد بن علی،سنن نسائی،ج۳، ص۲۶۰،بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۹۳۰؛ عایشه بنت الشاطی، نساء النبی، ص۲۱۲.

[2] . ر.ک: «زنان دانشمند و راوی حدیث» نوشتهٔ سید احمد صادقی اردستانی.

ویژگی‌های متفاوت است. پیش از بیان شرائط این دو مرحله و ویژگی‌های حوزه علوی در آن دوران اندکی به منزلت علمی آن امام همام و آن پیشوای معصوم از نگاه پیامبراکرم می‌پردازیم.

نقش امیرمؤمنان علیه‌السلام **در انتشار سنّت نبوی**

اصحاب پیامبراکرم حضرت محمّد مصطفی صلّی الله علیه وآله وسلم که دانش پژوهان ودانش‌دوستانِ آن دوران بودند هزاران حدیث نبوی در زمینه‌های گوناگون معرفتی و زندگی و جزئیات سیرهٔ مطهّر نبوی را غالباً با دقّت و امانت حفظ و تدوین نموده و به نسل‌های بعدی منتقل کردند که منابع حدیثی و تفسیری و تاریخیِ معروف و مشهور شیعه و اهل سنّت گواه آن است.

صد البته که در این میان امیرمؤمنان علیه‌السلام و یاران و علاقمندانِ به او و دو فرزندش (حضرات حَسنَین سلام‌الله‌علیهما)سهم بیشتری در حفظ و ثبت

و تدوین و انتقـال سنّت نبوی و معـارف دین داشتند که به بیان شیوای پیامبراکرم و از ناحیهٔ خدا بود.

مورّخ ومفسّر ومحدّث معـروف اهل‌سنّت‌جلال‌الدین سیوطی شافعی مذهب به نقل علّامه سیّدمحسن‌امین عاملی در کتاب اعیان الشیعة می‌گوید: «**کـانَ بَینَ السَلَفِ مِن الصَحابةِ اختلافٌ کثیرٌ فِي کِتـابةِ العِلْم، فَکَرِهَها کَثیرٌ مِنْهُم وَ أباحَتْها طائفةٌ وَ فَعَلُوها مِنْهُم عَليٌّ وَ ابنُهُ الحَسَن**»یعنی در میان صحابه اختلاف شدیدی دربارهٔ نوشتن و تدوین سنّت نبوی رخ داد، بسیاری از اصحاب آن را خوش نداشتند و گروهی نیز آن را مُجاز دانسته و انجـام دادند کـه از جمـلهٔ آنان علی و پسرش حسن (سلام‌الله‌علیهما) بودند، و لذا اشخاصی از زنان و مردان مانند خلفای سه‌گانه و مانند عایشه همسر پیامبراکرم صلّی الله‌علـیه وآله به وسعت دانش حضرت امیر علیه‌السلام‌ومرجعیّت علمی او در

تفسیر قرآن وفقه وحدیث اذعـان داشته و اقرار کردند.[1]

• مؤید دیگر این مطلب، صحیفه‌ای است که بنا به درخواست حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها به قلم مولا علیه‌السلام نوشته شد و در آن مجموعه‌ای ازاحکام زنان تدوین شده بود.

• «**مصحف علی**» نیز بقلم امیرمؤمنان علیه‌السلام است. قرآنی که حضرت جمع‌آوری فرمود و مورد بی‌مهری قرار گرفت و این بی‌مهری، مسلمانان را تا قیام قیامت در حسرت فیض و بهره از آن قرار داد. حضرت در حواشی آن معارفی همچون شأن نزول، آیات مکی و مدنی، منسوخ و ناسخ، محکم و متشابه مشخص و آیات، به ترتیب نزول نوشته شده بود.

---

[1] . در این زمینه به کتب رجالی و تاریخی معروف اهل‌سنّت مانند «الإصابه» نوشتهٔ ابن‌حجرعسقلانی و «الاستیعاب» نوشتهٔ ابن عبدالبرّ و «أسد الغابة في معرفة الصحابة» نوشتهٔ ابن اثیر جزری و دو کتاب «الإتقان في علوم القرآن» و«تاریخ الخلفاء» نوشته عبدالرحمن سیوطی مراجعه شود.

• از جمله آثار قلمی دیگر حضرت امیرعلیه‌السلام ۷۹ نامه است که در نهج‌البلاغه روایت شده مانند:
- **وصیتنامه** به امام حسن مجتبی علیه‌السلام
- **عهدنامه** به مالک اشتر
- **توبیخنامه** به عثمان بن حنیف
- **بخشنامه** به کارگزاران دربارۀ جمع‌آوری زکات

علم امیرمؤمنان علیه‌السلام در احادیث نبوی

پیامبراکرم حضرت محمد مصطفی‌صلّی‌الله‌علیه‌وآله در دَه‌ها و بلکه صدها حدیث متواتر وغیرمتواتر منزلت والای علمی و دامنۀ گستردۀ دانش حضرت را با بیاناتی روشن و واضح متذکّر شد، به طوری که در این زمینه ابهامی باقی نگذاشت.

اینک برخی از این احادیث:

۱. **«أنا مَدینة العلم و عليٌّ بــابُها فَمَن أرادَ المدينةَ فَلْيَأْتِها مِن بابِها»**[1]، من شهر علمم و علی دروازۀ

[1] . عیون اخبار الرضا، ج۱، ص۲۲۸، باب ذکر مجلس الرضا علیه‌السلام مع مأمون.

آن است پس هرکسی می‌خواهد که داخل این شهر باشد، باید از دروازۀ آن وارد شود.

۲. **«عليٌّ عَيبة عِلمي»**[۱]،علی گنجینۀ علم من است

۳. **«عليٌّ بابُ عِلمي و مُبِيْن لِأُمّتي ما اُرْسِلْتُ به مِن بَعدي»**[۲]،علی دربِ علم من است و پس از من روشنگر چیزی است که به آن مبعوث شدم.

۴. **«يا علي أنتَ وارثُ عِلمِي و مَعْدِنُ حِكْمتي»**[۳]، ای علی‌جان تو وارث علم من و گنجینۀ حکمت من هستی.

۵. **«ما مِن عِلمٍ إلّا علّمتُهُ عليّاً»**[٤]،هیچ دانشی باقی نمانده مکر اینکه آن را به علی یاد دادم.

۶. **«عليُّ بنُ أبيطالب أعلَمُ هذهِ الأُمّة»**[٥]، علی بن ابی‌طالب عالمترینِ این امّت است.

---

[۱] . بحارالانوار، ج۴۰، ص۱۴۹.

[۲] . همان، ج۲۷، ص۱۱۲.

[۳] . همان، ج۳۶، ص۳۴۰.

[٤] . تفسیر نورالثقلین، ج۴، ص۳۷۹.

[٥] . کتاب من لایحضره الفقیه، ج۳، ص۴۲، ابواب القضایا و الأحکام.

۷. **«أعلَمُكُم عليٌّ بنُ أبيطالب»**[1]، عالمترینِ شما، علی بن ابی‌طالب است.

۸. **«العِلْمُ خَمْسَةُ أَجْزَاءٍ، اُعْطِيَ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلامُ مِنْ ذَلِكَ أَرْبَعَةَ أَجْزَاءٍ وَ اُعْطِيَ سَائِرُ النَّاسِ جُزْءً وَاحِداً وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيراًوَنَذِيراً لَعَلِيٌّ بِجُزْءِ النَّاسِ أَعْلَمُ مِنَ النَّاسِ بِجُزْئِهِمْ»**.[2]

علم دارای پنج بخش است که چهاربخشِ آن به‌علی بن ابی‌طالب داده شده و یک بخش باقیماندۀ آن بین همه مردم تقسیم شده است.قسم به خدایی که مرا به حق به عنوان بشیر و نذیر فرستاده، علی در همان بخشِ مردم نیز از همۀ آنها عالمتر است.

اینها برخی از روایات نبوی دربارۀ وسعت علم و دانش حضرت امیرمؤمنان علی علیه‌السلام است.

---

[1] . وسائل الشیعة، ج۲۷، ص۲۸۲، کتاب القضاء، باب ۲۱.

[2] . بحارالانوار، ج۲۷، ص۱۱۷، ح۹۶.

علم و دانش علی علیه‌السلام از زبان خودش

علی علیه‌السلام از علـم خود به تفصـیل سخـن گفته و برای اینکه مردم از معـارف گسـتردۀ او استفـاده کنند، ابتدا از تنوّع و وسعت دامنۀ آن فرمود:

أ. **لَوْ ثُنِيَتْ لِيَ الْوِسَادَةُ فَجَلَسْتُ عَلَيْهَا لَحَكَمْتُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَاةِ بِتَوْرَاتِهِمْ وَبَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِإِنْجِيلِهِمْ وَ بَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِزَبُورِهِمْ وَ بَيْنَ أَهْلِالْقُرْآنِبِقُرْآنِهِمْ**[1]

اگر برایم متکـــایی گذاشته شده و بر آن تکیه داده بودم و بین اهل تورات با توراتشان وبین اهل‌انجیل با انجیلشان و بین اهل زبور با زبورشان و بین‌اهل قرآن با قرآنشان حکم کرده بودم.

بـ. «**علّمني** (رسولُ‌الله) **أَلْفَ بَابٍ مِنَ الْعِلْـمِ فُتِحَ لِي بِكُلِّ بَابٍ أَلْفُ بَاب**»[2]، پیامبر به من هزار باب علم تعلیم داد که از هر بابی، هزار باب باز می‌شد.

---

[1] . بحارالانوار، ج۳۵، ص۳۹۱.

[2] . همان، ج۳۸، ص۱۸۹ و ج۴۰، ص۱۴۴؛ ارشاد، ج۱، ص۳۳.

ج. **«سَلُونِي عَمَّا شِئْتُمْ قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي، فَوَاللَّهِ إِنِّي بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّي بِطُرُقِ الْأَرْضِ»**[1]، پیش از آنکه مرا در بین خودتان نیابید از هرچه می‌خواهید بپرسید که به خدا قسم به راه‌های آسمان از راه‌های زمین آگاه‌ترم.

د. **«إِنَّ هَاهُنَا** (وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ) **لَعِلْماً جَمّاً لَوْ أُصَبْتُ لَهُ حَمَلَةً»**[2]، حضرت امیر با اشاره به سینهٔ مبارکش فرمود: در اینجا لبریز از علم است اگر حاملِ آن را بیابم.

این واقعیت را ده‌ها کلمه از کلمات قصار درزمینه های علمی و اجتماعی و سیاسی و پاسخ‌های عمیق ، متنوّع و زیبا ثابت می‌کند.[3]

واینک روی سخن با حوزهٔ علوی در دو دورهٔ خلفا و خلافت حضرت امیر علیه‌السلام است.

---

[1]. بحارالانوار ، ج۳۴، ص۲۵۸. کتاب سلیم بن قیس، ج۲، ص۷۱۲.

[2]. بحارالانوار، ج۲۳، ص۴۴.

[3]. برای اطلاع بیشتر از این احادیث ر.ک: نهج‌البلاغه و دررالکلم و موسوعه الغدیر.

حوزه علوی در دورۀ خلفای ثلاثه

در دورۀ خلفـای سه‌گـانه که امیرمؤمنان علیه‌السلام متصـدّی هیچ‌گونه پســت و مقــام حکومتی نبودند، فرصت خوب و مناسبی برای تربیت و تعلیم افراد برجسته و فرهیختـه‌ای قــابل و شـایسته و باظرفیت برای حمل بار سنگین بخشی از دانش‌های خود کـه عمدتاً مربوط به تفسیر قرآن و احکام و عـقائد ناب و شفّاف اسلامی بود پیدا کردند.

علاوه بر اینکه امیرمؤمنان علیه‌السلام در جهت‌حلّ مشکلات مسلمانان گام‌های جدی برداشتند.

مشکلات عقیدتی و فقـهی و قضایی و شبهــاتی کـه یهود و نصارا بر مسلمانان و مخصوصاً خلفا وارد می‌کردند و آنان نیز پاسخی نداشتند و اگر حضرت نبودند، حتما ایمـان و اعتقاد مسلمین متزلزل می‌شد علاوه بر تدوین قرآن کریم، شاگردانی بسیــار قوی در زمینه‌های متنوّع تربیت نمودند که برخی ازآنها صاحب تألیف و کتاب هم هستند مانند:

۱. عبدالله بن عبّاس (متوفّای ۶۸ ق) تفسیر قرآن و کتاب‌های او از قضاوت حضرت امیر علیه‌السلام.

۲. ابوالأسود دئلی در علم نحو که این کتــاب را با راهنمایی حضرت امیر علیه‌السلام نوشت.

۳. جابربن عبدالله انصاری در حدیث و فقه. کتابش به «صحیفهٔ جابر» معروف است.

۴. ابوذر غفاری (متوفّای ۳۱ ق) که کتاب الخطبه را نوشت و در آن رویدادهای پس از رحلت پیامبر را به طور مشروح نوشت.

۵. عمار یاسر

۶. سلمان فارسی (متوفّای ۳۲ق) در اســرار غیبیّه و معارف و نگارش گفتگوی جاثلیق با امیرمؤمنان

۷. میثم تمّــار (شهادت ۶۰ ق) در اســرار غیبیّه و علوم قرآن و کتاب او در گردآوری تفسیر قرآن از امیرمؤمنان علیه‌السلام.

۸. ابورافع که قضاوت‌های امیرمؤمنان را درکتاب «السنن و القضایا و الأحکام» نوشت.[1]

۹. علی بن ابی‌رافع که کاتب واز خواصّ حضرت امیر علیه‌السلام کتــابی در احکـــام وضو و نماز و دیگر ابواب فقهی نوشت.[2]

۱۰. عبیدالله بن ابی‌رافـــع که مشـــروح جنگ‌هـــای زمان حضرت امیر و سیرهٔ حضرت را نوشت.[3]

۱۱. حارث بن اعورهمدانی که گفتگـوی حضرت امیر و یهودی را به رشته تحریر درآورد.

۱۲. اصبغ بن نباته مجاشعی که وصیت‌امیرمؤمنان به امام مجتبی علیه‌السلام و عهدنامه مالک اشتر را نوشت.[4]

۱۳. کمیل بن زیاد نخعی که دعای کمیل را روایت کرد.

---

[1] . رجال نجاشی، ص۶.

[2] . اعیان الشیعه، ج۱، ص۱۵۱.

[3] . فهرست طوسی، ص۳۰۶؛ تأسیس الشیعه، سید حسن صدر، ص۲۳۲.

[4] . الذریعه، ج۱۷، ص۱۵۲؛ اعیان الشیعه، ج۷، ص۴۶۴.

۱۴. سلیم بن قیس (متوفّای ۷۶ق) که کتابی حدیثی به یادگار گذاشت.

۱۵. ربیعة بن سمیع که کتابی در باب «زکات» از حضرت امیر علیه‌السلام نوشت.[۱]

۱۶. عبیدالله بن حرّ جعفی(متوفّای ۶۸ق)که بخشی از خطبه‌های حضرت امیر علیه‌السلام را نوشت.

۱۷. زید بن وَهْب جهنی کوفی(متوفّای ۹۶ق)که او نیز برخی از خطبه‌های حضرت امیر علیه‌السلام در اعیاد و مناسبتها را نقل کرده است.[۲]

۱۸. یعلی بن مرة که مشروح برخی‌ازقضاوت‌های حضرت امیر علیه‌السلام را نوشت.

---

[۱]. کافی، ج۳، ص۵۳۹؛ تهذیب، ج۴، ص۹۵.

[۲]. فهرست طوسی، ص ۲۰۲؛ رجال طوسی، ص۶۴.

حوزهٔ علمیّهٔ در دورهٔ حکومت حضرت امیر(ع)

در حکومت پنج سالهٔ حضرت امیر علیه‌السلام، سه جنگ بزرگ، توسّط ناکثین و قاسطین و مارقین بر حضرت تحمیل شد، در حالی که این سالها بهترین فرصت برای نشر وگسترش علوم و معارف دین و تبیین اصول و فروع وعقاید و احکام و دیگرمسائل اسلام باشد.

به همین دلیل، حضرت در مجـال کمتری توانستند به کار حوزوی بپردازند اما تاریخ نشان می‌دهد که حتی در همین دوره پُر مشـغله، و حتی در بهبوهٔ جنگ حضرت از ترویج و توضیح مسائل اعتقادی دور نبودند، مانند توضیح معنای احدیّت و واحدیّت پروردگار در اوج جنگ صفین برای یک اعرابی پرسشگر.[۱]

---

[۱] . ر.ک: توحید صدوق.

حضرت در این دوره کوتــاه و پُر مشــغله توانست عدالت اسلامی را به منصه ظهور برساند و جامعه اسلامی بلکه همهٔ بشـر را با این ره‌آورد گرانبـهای اسلام یعنی عدالت در تمام زمینه‌ها آشنا سازند.[1]

لازم به ذکر است که در این مقطع، بر اثر فتوحات دورهٔ خلفا، عقاید و آیین‌ها و افکار و سنت‌های ملّی گوناگون، اعتقادات مسلمین و به طور کلی فرهنگ اسـلامی و سنّت نبوی به واسطهٔ یهود و نصـارا و زردشتی‌های نفوذی، و از طرفی به علّت منــع نقل و تدوین حدیث نبوی توسّط خلفا، دچار اختلال شده بود.

[1] . ر.ک: الغارات ثقفی.

حوزهٔ علميّه در دورهٔ سه امام همام:

امام حسن و امام حسین و امام سجّاد علیهم‌السلام

از آن جهت که عصر این سه امام بزرگوار - سال ۴۰ تا ۹۵ ق - عصر آشوبها و فتنه‌ها و دوران سلطهٔ معاویه و دیگر امویان جائر و جابر همراه با اذیّت و آزار شیعیان علی علیه‌السلام و تحت تعقیب قراردادن آنان و قتل و غارت مردم بیگناه بود، لذا فعالیت علمی و حوزوی کمتر شد و مردم از ترس جانشان کمتر توجّه به اینگونه کارها نشان می‌دادند و گاهی نیز به دستور آن سه امام معصوم، مأمور به رعایت تقیّه و عمل همراه با کتمان می‌شدند، به این وسیله موجودیّت و کیان شیعه محفوظ بماند و فرصت برای فعالیّت قوی و آشکار فراهم گردد.

اما با این حال و اینکه حوزهٔ علميّه، وضعيّت قبل و بعد از این دوران را نداشت، هر کدام از آن سه امام بزرگ و معصوم، کار و فعالیّت علمی مناسب با احوال و اوضاع آن روزگار را دنبال کردند و دست از فعالیّت در زمینهٔ تربیت عناصر دانشمند

برنداشتند، گرچه از نظر عدد به اندازه قبل و بعد از این دوران نبود. مثلاً امـام حسن و امـام حسین علیهماالسلام به تعلیم و تقویت بنیه علمی جمعی از یادگاران اصحاب و فرزندانِ آنها که علاقمند به ادامهٔ استفاده علمی از اهل بیت عصمت و طهارت و بهره‌گیری از سرچشمهٔ مصفّای علوم ودانش‌های ناب آنان بودند در حدیث و فقه و تفسیر و اخلاق پرداختند.

از طرفی اصحاب آن سه امام همام دست به تألیف کتاب‌هایی مهمّ در زمینهٔ حدیث و ادعیه زدند تا از این راه، فرهنگ اصیل اسلامی را حفظ نمایند.

بعضی از رجالی‌ها و مورّخین، نام‌های آن بزرگان دانش‌پژوه را که جمعاً تا ۱۲۰ تن می‌باشند، تدوین و ثبت کرده‌اند.[۱] از آن سه امامان مطهّر، کلمات قصار و حکیمانه و مهمّ و انسان‌ساز و کتب ادعیه و مناجات‌های حیاتبخش و رسالههای اجتماعی و سیاسی عمیق و پرمحتوایی بجا مانده است.

---

[۱] . ر.ک: کتاب خلاصه نوشته علّامه حلی.

حوزهٔ علمیّه در عصر صادقَین علیهماالسلام

می‌بایست دوران این دو امام را عصر شکوفایی و رشد و نمو بی سابقه حوزهٔ علمیّه شیعه دانست.

این دوران بی نظیر،از میانِ مزایای مهمّ و فراوان از سه مزیّت برجسته برخوردار بود که عبارتند از

۱. آزادی عمل

۲. احساس نیاز شدید مسلمانان به معارف اهل بیت عصمت و طهارت، پس از یک دوره سرگردانی و حیرت.

۳. پدیدهٔ فرقه‌های گوناگون کلامی و مذهبی واقبال آنان بر بحث و گفت و شنود صمیمانه علمی.

ابتدا امام باقر علیه‌السلام با حُسن استفاده از ضعف حکومت ستمکار بنی امیّه، و فراهم شدن فرصتی مناسب، پایه‌های این حرکت علمی، و اساس این دانشگاه را بنا نهادند و مردم را به سمت و سوی فراگیری علم و دانش خالصِ اهل بیت، سوق دادند ودعوت کردند و مردانی دانشمند، و از نظر علمی

قوی شدند که بعدها اسطوانه‌های حوزه امام صادق علیه‌السلام و اساتید مبرّزی زیر نظر امـام صـادق علیه‌السلام بوده که به تعلیم و تربیت و نشر وپخش معارف اهل بیت دست زدند.

سپس امام صادق علیه‌السلام بـا استفاده هوشمندانـه از فروپاشی کامل بنی امیه و ضعف حکومت‌نوپای بنی العباس این حرکت را بخشید و این دانشـگاه را توسعه داد تا جایی که عدد دانش‌پژوهشان به چهـار هزار وبنا به قولی به بیست‌هزار رسید که می‌توان بین این دو رقم به نحوی قابل قبول جمع نمود.[۱]

---

[۱] . مثلاً اینکه چهارهزار، تعداد ثابتِ شاگردان و بیست‌هزار، عدد متغیّرِ آنها بوده است.

بعضی از خصوصیات حوزه صادقَین علیهماالسلام

حوزه علميّه دوران امام باقر علیه‌السلام و به ویـژه دوران امام‌صـادق علیه‌السلام از ویژگی‌های‌برجسته و مهمّی برخوردار بود. بارزترینِ آنها عبارتند از:

۱. تنوّع علمی به حسـب نیاز روز و بسنده ننمودن به علوم متعارف اسلامی

۲. آزادی بحث و جدال علمی

۳. گسترش کار فقهی

۴. کثرت و تنوّع دانش پژوهـان از نظـر نـژادی و زبانی و مذهبی و خانوادگی و شغلی.

۵. گسترش تألیف و تصنیف کتاب

۶. رونق جلسات پرسش و پــاسخ فقهی و اعتقادی.

۷. تجدید حیات سنّت و حدیـث نبـوی، پس از دورۀ طولانـی منع توسّط خلفای و امویـان جـائر به هدف فراموش‌شدن فضـائل اهل بیت علیهم‌السلام.

۸. تأسیس رشته‌های تخصّصی در آن.

مذهب جعفری

تاریخ مربوط به دوران صادقین علیهماالسلام نشان می‌دهد که بر اثر جاذبه‌های فراوانی که حوزۀ امام صادق داشت،افراد کثیری از فِرَق و مذاهب کلامی و فقهی متنوّع و مهمّی بر حوزۀ امام صـــادق وارد می‌شدند و از آن بهره می‌گرفتند ویا پس از بحث و جدل علمی با شخص امام صادق علیه‌السلام وغالباً با شاگردان امام مانند هشامَین[1] مُجاب، یا هدایـت و یا از مجلس خارج شده‌اند.

فعالیّت گستردۀ امام جعفرصادق علیه‌السـلام و نشر معارف اسلام نـاب و بازگشت جامعه به ریشه‌هـای اصیل و واقعی دین مبین با کمک یاران وشاگردان صدیق و مخلص و عاقل وهوشمند، مذهب تشیّع به مذهب جعفری شناخته شد.

---

[1] . **ابومحمّد هشام بن حَکَم شیبانی.** در کتاب رجال و فهرست شیخ طوسی بیش از ۳۰ کتاب و رساله او وی نام برده شده است. دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، مقاله «هشام بن الحَکَم»، شماره۶۸۴۳.

- **ابوالحَکَم هشام بن سالم جوالیقی.** کتاب الحج، کتاب المعراج و کتاب التفسیر و کتاب الحدیث از جمله آثار مکتوب اوست.

صحیفهٔ سجادیّه و کتاب توحید مفضّل

امام‌باقر علیه‌السلام به اتفاق برادرشان زید بن علی صحیفه سجّادیه که دعــاهای امــام سجّاد علیه‌السلام در زمینه‌های مختلف است را روایت کرده و سپس متوکّل بن هارون از یحیی فرزند زید شهیـد، راوی بعدی آن بوده است.[1]

در کنار صحیفه سجادیّهٔ معروف که مشتمل بر ۵۴ دعا و در دسترس همگان است چهار صحیفه دیگر نیز به روایت شیخ حرّعاملی و میرزا عبدالله افندی و محدث نوری وسیدمحسن جبل عاملی وجود دارد که ادعیه دیگری از حضرت روایت کرده است.[2]

همچنین امــام صــادق علیه‌السلام شگفتی‌های خـلقت را به مفضّل بن عمر املا فرمود و او کتابی نوشت که موسوم به **«کتاب توحید مفضّل»** شد.

---

[1] . اعیان الشیعه، ج۱، ص۶۳۸.

[2] . الرسائل الرجالیه، ص ۵۶۱. ر.ک: اسناد صحیفه سجادیه، محمد علی ابطحی.

حوزه علمیّه شیعه در دوره امام کاظم علیه‌السلام تا زمان شهادت امام عسکری علیه‌السلام

با قوّت گرفتن بنی‌عبّاس و احساس خطر از نـاحیهٔ اهل بیت علیهم السلام، مجدّداً فشارها و تنگنـاها بر ائمّهٔ هُداة آغاز شد، ابتدایش زندانی شدن امام کـاظم علیه‌السلام بود و با جلب و حصر و حبس وشهادت امامان بعدی ادامه پیدا کرد.این مسأله تا حدّ زیادی فرصت تداوم کار علمی در حوزه شیعه را به خود اختصاص داد و مانند سـابق به طور فعّال‌وگسترده ادامه پیدا نکرد.

اما این امامان به حکم وظیفه‌ای که بر عهده داشتند هرگز از تربیت و تعلیم عناصر دانشمند فروگذار نکردند و پیوسته به این کار مهمّ - گرچه در حدّ مقدورات و در محدودهٔ شرائط و گنجـایش زمان و مکان - با شجاعت و فداکاری فراوان ادامه دادند و از این راه شریعتِ محمّـدی که در مذهـب و مرام علوی تجلّی پیدا کرده را حفـظ و به نسل‌های بعدی

منتقل کردند. مکتوباتی اعم از کتاب و نامه ونسخه نیز وجود دارد.[1]

مکتوبات اصحاب ائمّه

اصحاب ائمه علیهم‌السلام حاضر بیراق بوده و قلم و دوات در آستین داشته و به محض شنیدن روایت و حدیث، آن را ثبت و ضبط می‌کردند.[2] اصحاب در این دوره کتاب‌هایی به رشتۀ تحریر درآوردند. اصول «اربعة مأة» همان چهارصد کتابی بود که به گفتۀ شیخ مفید، اصحاب در دوران ائمه تا زمان امام عسکری - به ویژه در عصر صادقین- نوشتند هر چند بسیاری از آنها - به علل مختلف از جمله آتش سوزی کتابخانه شیخ طوسی در سال ۴۴۸ ق به دست متعصّبین از سنّی‌ها - به دست ما نرسید[3]

---

[1] . مقاله مکتوبات حدیثی ائمه علیهم السلام، مجله میراث حدیث شیعه، شماره ۹، مهدی مهریزی.

[2] . بحارالأنوار، ج۴۸، ص۵۳ و ج۹۱، ص۳۲۰؛ مستدرک الوسائل، ج۱۷، ص۲۹۲؛ الذریعه، ج۲، ص۱۲۷.

[3] . الذریعه، ج۲، ص۱۳۴ به بعد.

ولی از طریق کتب اربعه شیعه اسم و رسم آنها تا حدود زیادی برای ما روایت شده است.

برخی از این اصول عبارتند از:

أ. «**خطب امیرالمؤمنین**» نوشتهٔ ابومحمّد عبدی (متوفّای بعد از ۱۸۰ق)از اصحاب امام موسیکاظم علیه‌السلام.

بـ. «**الجامع فی الأحادیث**»دو نوشتهٔ مستقلّ ازاحمد ابی‌نصر بزنطی (متوفّای۲۱۱ق) و موسی بن قاسم بَجَلی[۱]، از اصحاب امام رضا علیه‌السلام.

جـ. «**خطب أمیرالمؤمنین**»و«**صفةالمؤمنوالکافر**» و«**النوادر**»و«**الملاحم**» نوشتهٔ اسماعیل بن مهران سَکونی (متوفّای ۲۰۳ق) از اصحاب امام رضا علیه‌السلام.[۲]

---

[۱] . شیخ طوسی وی را مؤلّف سی کتاب دانسته است. شیخ طوسی، الفهرست، ص۱۶۲.

[۲] . پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی، دائرة المعارف مؤلفان اسلامی، ج۱، ص۱۸۲.

د. «**قرب الإسناد**» نوشتۀ عبدالله بن جعفر حمیری قمی(متوفّای ۲۹۷ق)از اصحاب امام عسکری‌سلام الله‌علیه.

ه. «**الجامع فی الحدیث**» و «**کتاب الحجّ**» نوشتۀ ابوطاهر ورّاق حضرمی از اصحاب امام هادی و امام عسکری علیهماالسلام.[1]

دوران غیبت صغرای امام زمان علیه‌السلام

با نزدیکی دوران غیبت، امام عسکری وامام زمان با بیانات و روش‌های خاصّی این مسئولیّت خطیر را به عهدۀ فقها و علما گذاشتند که کم کم به علّت اینکه بیشتر به تربیت و تزکیه و تدبیر امورعقیدتی و معنوی و فکری و اخلاقی جامعۀ شیعه، در کنار امور اجتماعی و سیاسی می‌پردازند، روحانیّت و روحانی نام گرفت.امام زمان علیه‌السلام در دوران غیبت صغری،با نامه و توقیع با شیعیان در ارتباط بود.

---

[1] . همان، ص۷۵۰.

حوزه علميّه شيعه در دوران غيبت كبرى

بعد از غيبت صغرا، فقها به تأسيس حوزه پرداختند و به همـان روال و دأب و ديدن امامـان معصوم به تدريس علوم اسلامى و تربيت شاگردان- نسلى بـعد از نسل ديگر- پرداختند و در اين مسير پُر خطر و سخت، بسيار فداكارى كردند و در اين راه نيزمانند ائمّه مظلوم به حبس افتادند ودر حصر قرار گرفتند و برخى به شهادت رسيدند.[١]

كتاب«**مكاتيب الرسول**»و«**مكاتيب الأئمه**» نوشته مرحوم آيت‌الله على ميانجى حاكى از گسترهٔ وسيـع مكاتبات معصومين عليهم‌السلام با اقشــار گوناگون مردم و نشانگر حيات حوزه علميّه شيعى در عصر ائمه است.

[١] . ر.ک: شهداء الفضيلة نوشتهٔ علامه امينى رحمه‌الله.

حقایقی درباره حوزه‌های علمیّه شیعه اثناعشری

از آنجا که-برخلاف دیگر حوزه‌های علمیه اسلامی ومراکز تبلیغی و علمی دینی ادیان و مذاهب-حوزه علمیه شیعه اثـناعشری دارای نقش، تـأثیر و نفـوذ ژرف، گستـرده، ممتدّ و مـاندگار بوده و هست، لذا ضـروری به نظر می‌رسد کـه برای هرچه بهتر و بیشترشدن شناخت درباره این حوزه‌ها سرّ نفوذ این حوزه‌ها وظرفیت‌ها وقابلیّت‌ها وکاستی‌ها را متـذکّر شویم.

١. سرّ اقتدار و نفوذ حوزه‌های شیعی

اقتدار و عظـمت و نفـوذ کلمهٔ حـوزه‌های شیعی در طول زمان مرهون چند مطلب است:

أ. استقلال اقتصـادی و مـالی و عدم اتّکـا به دولتها

بـ. نمایندگی از پیامبر اکرم و اهل‌بیت ایشان

جـ. تبعیت از برنامهٔ فرهنگی اهل‌بیت علیهم‌السـلام

د. اتّصاف بزرگانِ حوزه به ورع و تقوی

هـ. اجتناب از اختلاط با دولت‌های باطل و جائر

و. عمق علمی و تسلّط بر مبانی مذاهب اسلامی

ز. اجتهاد پیوسته و پویا و مشکل گُشا

حـ. مردمی بودن یعنی: زیستن در بین مردم و در فکر حلّ مشکلاتِ آنها بودن

ط. بروز بودن با تحولات جهانی و عدم تحجّر

یـ. ساده زیستی و اتّصاف به محاسن اخلاقی

ک. ظلم ستیزی و پاسداری از حریم مقدسات تا سر حدّ شهادت

ل. مناعت طبع و آزاد منشی

م. آزادی فکر و تفکّر و اندیشه

ن. ارائه تحلیل‌های متقن درباره امور مذهبی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی

این ویژگی‌ها سبب شده تا حوزه‌های شیعی در نگاه دوست ودشمن جایگاه خاصی داشته باشد وحوزه‌ها بتوانند به راحتی حرف خود را بگویند و خواسته به حق و الهی خویش را به کرسی بنشانند.

۲. انتقادات وارده بر حوزه‌ها

انتقادات وارده بر حوزه‌های علمیه عمدتاً بردونـوع است:

۱. انتقادات نسبت به افراد حوزوی

۲. انتقادات نسبت به ساختار و عملکرد کلّی حـوزه

در این نوشتهٔ مختصر به بررسی و پاسخ به نـــوع دومِ انتقادات می‌پردازیم چون نوع اوّل انتقادات، - بر فرض صحّت - جنبه شخصی دارد که اشخـاص باید پاسخگو باشند.

عمده انتقادات نوع دوم:

أ. طبقه گرائی در حوزه

بـ. سیاسی‌کاری در حوزه

جـ. تجدّدگرایی در حوزه

د. تحولات در برنامه ریزی نرم افزاری

هـ. تحولات در بخش سخت افزار در حیطه تعلیم و نشر مانند اینترنت و ماهواره

و. فقه مقارن

ز. کلام جدید

ح. تخصص گرایی

ط. علوم جدید مانند جامعه‌شناسی و روانشناسی و اقتصاد و هنر و ...

ی. حضور فعال در عرصه بین الملل

ک. ارتباط پیوسته با شیعیان در سرتاسر جهان

ل. اطلاع رسانی و اخبار شیعیان

م. پاسخگویی به شبهات

ن. جذب کلان و مستمر طلاب

س. تربیت عناصر قوی و بروز از نظر زبان و مدیریت و فعالیت و ذوق

ع. حسن استفاده از عناصر فرهیخته و کارآمد حوزوی

پاسخ اجمالی به انتقادات

اولاً. بسیـاری از ایـن انتقـادات کهـنه شده، بحمدالله حوزه پس از انقلاب گام‌های بلندی در رفع نواقص برداشته است هرچند به علل مختلفی تا حد مطلوب فاصله بسیار دارد.

ثانیا: علت بسیاری از نواقص در گذشته،محدودیّت و حصر حوزه بوده،به این معنا که به علل سیاسی در محاصره مخـالفین قدرتمند سیاسی خود گرفتـار شده بود و توان تحرک کـلان و پیشرفـت و توسـعه همه جانبه و تماس و ارتباط با جهان وراهکارها و ایده‌های جدید از او گرفته شده بود.

در حالی که مکـاتب و مشـارب دیگر در بُعد محلّی و جهـانی به سبـب همسـویی با اهـداف و مطـــامع قدرت‌های جهـانی، آزاد بودند و نه تنـها مـانعی سر راهشان نبود، بلکه مورد تأیید و پشتیبـانی گستردهٔ قرار داشتند.

ولی امروزه بحمدالله حوزه - پس از رفع برخـی از موانع عمده - امکان ارتباط با جهان و جهـانیان را به طور گسترده پیدا کرده است و تغییر و تجدیـد و توسعه در تشکیلات و ابزارها و روشهاوفعالیتهای خود ایجاد کرده است، گرچه هنوز از جراحــات و ناتوانی و نارسایی‌های گذشته رنج می‌برد در حالی که در این میدان مسابقه و پُرشتاب، مخالفین اسلام و تشیع، از امکانات بی حد و حصـری برخـوردار هستند. و طبیعی است که عقـب ماندگی‌های قـهری دویست ساله را نمی‌توان در بیست سال و سی سال جبران کرد.

اما آنچه امیدوارکننده است، حرکت آگاهانه و جدّی می‌باشد که پس از انقلاب و در دوران پُرافتـــخار جمهوری اسلامی شروع شده است.

طبقه‌گرایی در حوزه علمیّه

نسبت به نقد طبقه گرایی حوزه نیز باید گفت: ایـــن سخنی بسیار جاهلانه و مغرضانه است زیرا همین اشکال بر همهٔ نهادهای اجتماعی که دارای اسم و رسم و امتیازاتی چند برابر حوزه‌ها هستند نیزوارد است اما هیچ عاقلی بر آنها این اشکال را نمی‌گیرد

حوزه و روحانیت، خدمتگذار دین و جامعه دینی و پاسدار صدیق و فدارکار اسلام ومذهب حق‌جعفری است و متدیّنین فهیم و فکور که اهمیّت وضرورت حیات حوزه‌ها را با دل وجان لمس کرده‌اند قدردان این نهاد مقدس هستند. این اشکال واهی یا ازکسانی صادر می‌شود که از وضعیت سخت اقتصادی اکثر قریب به اتّفاق حوزویان و مسیر پُر مخاطره آنها اطلاع ندارند و یا از مغرضین و مخالفین حوزه و حضور حوزویان هستند.

شیوه معمول تعلیم و تعلّم در حوزه‌های شیعی

حوزه‌های علمیه شیـعه در دوران گذشته و حـال از شیوه‌هایی در تعلیم و تعلّم استفاده می‌کند که‌توانسته عالـمانی بزرگ و فرهیـخته و گـاهی کم نظیر، به جامعه اسلامی و بلکه جامعه بشری ارائه دهد.

این شیوه متشکل از مؤلفه‌های ذیل است:

۱. استفاده از کتب ارزنده در زمینه علـوم زبانی و ادبیات مانند صرف و نحو و بلاغت و لغت بــدون توجه به گرایش مذهبی نویسندگان آنها.

۲. انتخاب آزادانه استاد با معیار تسلط بر موضوع و حسن بیان و اخلاق.

۳. روش مطالعۀ قبل و مباحثۀ بعد از درس.

۴. روش کارگاهی درباره دروس مثل اینکه کلاس درس در کتابخانه برگزار می‌شود تا از کتــاب‌های مرجع در حین درس استفاده شود و یا اینکه استـــاد همراه با خود منـابع و کتـاب‌های لازم را به مجلس درس می‌آورد و از آن استفاده می‌کند و یا اینکه در

کارگــاه به صـورت عملیــاتی، مطـالب خوانده شده مورد بحث و تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۵. سهولت در ارتباط علمی با استاد

۶. موشکـافی عـالمانه تا رسیـدن به حـقّ مطلب در تمامی علوم حوزوی

۷. انتخـاب هم درسی تا پایـان دوره تحصیـل برای مباحثه و همفکری علمی

۸. تحصیل به هدف بهره‌گیری در هدایـت و ارشاد مردم و نه صرف دریافت مدرک

۹. تقدّس بخشی به تحصیل علم و دانش حوزوی به این معنا که طلبه از ابتدای ورود به حوزه، به خود تلقین می‌کند که تحصیل علوم در حوزه، فقط بـرای رضای خدا و انجام وظیفه دینی است.

۱۰. تقویت ذهن و فکر با تحصیل علوم عقلی

بارزترین آثار علمی ارائه شده به جوامع اسلامی و بشری توسط حوزه علمیّه

حوزه‌های علمیه شیعی در زمینه علوم تفسیر قرآن و حدیث، فقه مجرد و استدلالی، اصول فقه،منطق، کلام، رجـال و اخلاق، آثـار علمی ارزنده و مهمّی را به جامعه بشری تقدیم کرده است که بارزتـرینِ آنها عبارتند از:

۱. کتب اربعه در احـادیث پیامبر و اهل‌بیت ایـشان یعنی کافی،کتاب من لایحضره الفقیه،تهذیب‌الأحکام و استبصـار تألیف مرحـوم کلینی و شیخ صـدوق و شیخ طوسی

۲. تفسیر تبیان نوشته شیخ طوسی

۳. نهایه و مبسوط در فقه نوشته شیخ طوسی

۴. تفسیر معروف مجمع البیان نوشته شیخ طبرسی

۵. مجموعه‌های حدیثی بزرگ همچون:

بحارالانوار تدوین علامه مجلسی

وسائل الشیعة نوشته شیخ حرّ عاملی

مستدرک الوسائل نوشته میرزای نوری

الوافی نوشته فیض کاشانی

الحدائق مرحوم محدث بحرانی

جامع احادیث شیعه به اشراف آیت‌الله بروجردی

۶. کتاب‌های مهم رجالی همچون:

رجال کشی

رجال نجاشی

دو کتاب رجال و فهرست نوشته شیخ طوسی

خلاصه نوشته علامه حلی

معجم رجال الحدیث آیت الله خوئی

در این کتاب‌ها، هزاران راوی از تمام جهات لازم مورد بررسی دقیق قرار داده است.

۷. کتاب‌های فقهی مهمّی همچون:

شرایع الاسلام و تحریر الاحکام و تذکره حلیّون و مسالک الأفهام شهید ثانی و جواهر الکلام که در ده‌ها جلد مسائل شرعی را با احاطهٔ عجیبی بر

مبانی متنوّع اصولی وبا ادلّۀ قوی و محکم، مورد بررسی قرار داده است.

۸. کتاب خلاف شیخ طوسی در فقه مقارَن

۹. تفسیر برهان بحرانی و نورالثقلین حویزی

۱۰. دهها کتاب شیخ مفید وعلامه‌حلی وفاضل‌مقداد سیوری (قُدّست أسرارهم)که به وسیله آنها پایه‌های اعتقادی شیعه امامیه اثناعشری محکم ومبرهن شد و در برابر هجمات شدید مخالفین پابرجا ماند.

۱۱. معراج السعاده و جامع السعـــادات نراقیَین در اخلاق و آداب.

۱۲. کتاب‌های فراوانی در فلسفه و طب و نجوم و هندسه و ریاضیات و ابطال سحر که توسط علمای شیعه مانند ابن سینا وملاصدرا وملاهادی‌سبزواری و شیخ‌بهایی در شرایط خاصی نوشته شد و جامعه شیعی را با آن، غنی و مصون از تأثیر از فرهنگ بیگانه نمود.